

خیلی از خود شخصیت جدا باشد. فکر می‌کنم یکی از راه‌های شناخت پرسوناژ در هر شکلی از طراحی شخصیت، محیط پیرامون است. از سوی دیگر، این تمهید برای ما کارکرد بصری داشت. با آقای محمد حدادی (فیلمبردار) از ابتدا به این فکر کرده بودیم که حتماً جاگذاری‌هایی برای این ارتباط تصویری داشته باشیم. وقتی می‌خواهیم به یک رویارویی فکر کنیم، اولین انتخاب ما همیشه آپنه است ولی فکر کردیم شاید همین ارتباط ما با جهان مقابل، نوعی رویارویی ما با خودمان است و بنابراین از شیشه استفاده کردیم.

یک سری تصاویر در فیلم وجود دارند که از لحاظ روایی به نظر می‌رسد چندان در دل روایتی که داریم از زندگی یاسمین و برگشت او به ایران می‌بینیم چنانچه بیشتر جنبه مضمونی دارند. هنگام تماشای فیلم احساس می‌کردم شاید نبود این تصاویر می‌توانست بیشتر به فیلم کمک کند. چون مسیر حرکت داستان و نحوه تحول شخصیت به هر حال دارد منتقل می‌شود. به عنوان مثال فیلم با نمایش رقص چوب و فضای بومی شروع می‌شود در حالی که شخصیت ما هنوز به ایران برگشته و شاهد این لحظات نیست. این تمهید البته نوعی پیش‌آگاهی در مخاطب ایجاد کرده و بر اهمیت فضا و فرهنگ بومی تاکید می‌کند. ولی چون داستان عمده محدود به چیزی است که شخصیت اصلی با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، کمی که جلوتر می‌رویم احساس می‌کنیم شاید این تصاویر نوعی گسست یا مسیر دراماتیک داستان یا شخصیت دارد. جایی دیگر، فردی (که قاعدتاً باید ارشد باشد) در حال نواختن ساز در پس‌زمینه‌ای سیاه است و ما تصویر نوازنده را نمی‌بینیم. نمونه دیگر در همان اوایل کار است که تصویری از لاک پشتی می‌بینیم که در آب می‌افتد. بعداً می‌فهمیم آن لاک پشت در خانه نرگس حضور دارد. ولی هنوز شخصیت با آن خانه مواجه نشده است. چه چیزی باعث شد این الزام را احساس کنید که این تصاویر را به عنوان کدهایی در فیلم قرار دهید؟

راستش من خیلی اهل شرح این ایده‌ها نیستم. اما در مورد تصاویر اول فکر می‌کنم دارند قصه را شروع می‌کنند. ما در فیلم پرسوناژ مهمی داریم که در طول فیلم غایب است: پدر یاسمین. تنها چیزی که از پدر می‌شناسیم همان چند پلان اول است که از منظر او است: سفری که می‌کند، به آبسپاها می‌رسد، کاغذ و قلمی که دستش است و همان‌جا می‌بینیم که دستش می‌افتد و



وقتی بخواهیم تهران را معرفی کنیم، اولین تصویری که در ذهن همه می‌آید میدان آزادی است. برای مشهد، اولین تصویر، تصویر معروف خیابان امام رضا (ع) رو به حرم است. ما سعی کردیم از این تصاویر پرهیز و به شکل‌های دیگری فکر کنیم. چون به نظر من زندگی و مدل امروز، دیگر آن تعریف قدیمی را ندارد

